

نگاهی به نشان امین‌الضرب؛ نشانی برای استثمرگران

نزدیک به یک دهه است که به ابتکار اتاق بازرگانی تهران و همراهی نهاد ریاست جمهوری و وزارت صنعت، معدن و تجارت، نشان افتخاری تحت عنوان امین‌الضرب هرساله به تعدادی از فعالین برجسته‌ی اقتصادی در بخش خصوصی اعطا می‌شود. وجه تسمیه‌ی این نشان برگرفته از نام یکی از بلندپایه‌ترین تجار و سرمایه‌داران ایرانی در زمان قاجاریه است. "امین‌الضرب" به طور عام به افراد امین و مورد اعتماد حاکمان برای ضرب سکه و خزانه‌داری اطلاق می‌شده است و در اواخر سلطنت قاجار و اوایل سلطنت پهلوی، محمدحسن و محمدحسین اصفهانی به این مقام نائل آمده‌اند. این پدر و پسر به نوعی سردمدار کارفرمایی صنعتی در ایران بوده و علاوه بر دست داشتن در صنایع چینی‌سازی، ابریشم بافی و ابریشم تابی، ذوب آهن، برق، بانک‌داری، راه‌سازی، راه‌آهن و... مؤسس اتاق تجارت تهران و پایه‌گذار دستگاه خون‌خوار اتاق بازرگانی کنونی در اواخر سده‌ی ۱۲۰۰ بوده‌اند. خط ربط نام‌گذاری نشان مذکور از سوی بازرگانی به اسم "امین‌الضرب" هم براساس ادای دین به پدر اتاق بازرگانی و پدر استثمر مدرن در ایران است. این که حاج محمدحسن و حاج محمدحسین در دوره‌ی استعماری بریتانیای کبیر و روسیه‌ی تزاری چه جنایات مرتکب شده‌اند و مفتخر به بهره‌کشی و استثمر در آغازین مراحل پیدایش و تکوین سرمایه‌داری صنعتی در ایران هستند بحثی است دیگر که حوصله‌ی دیگری می‌طلبد. ما در بحث حاضر به دنبال این هستیم که در ایران امروز، چه کسانی و با چه انگیزه‌هایی نایل آمدن به نشانی به افتخار پدر استثمر ایران را بر خود جشن می‌گیرند.

در چندین دوره‌ی برگزاری این مراسم اسامی قابل پیش‌بینی‌ای به چشم می‌خورد؛ از جمله بنیان‌گذار گروه صنعتی سولیکو، بنیان‌گذار صنعت نوشت‌افزار در ایران، پدر صنعت کامیون‌سازی، بنیان‌گذار شرکت شیرین‌عسل تبریز، مؤسس چرم مشهد و... هلدینگ سولیکو همان شرکت مادر مجموعه‌ی کارخانجات کاله آمل است که البته در حوزه‌های دیگری از جمله تیم‌داری ورزشی، بسته‌بندی و برندینگ و... نیز فعال است. مؤسس سولیکو غلامعلی سلیمانی اهل آمل است که از سال‌ها پیش از انقلاب فعالیت اقتصادی خود را آغاز کرده و اعتبار عظیمی به هم زده و پس از انقلاب نیز به پاس فعالیت‌های درخشانش با نزدیک شدن به وزارت صنایع و معادن، حیطة‌ی فعالیت خود را به حوزه‌های گوناگون گسترش داده و هم‌اکنون نیز علاوه بر ایران فعالیت‌های خود را در مراکز دبی، لس‌آنجلس، فرانکفورت، بیرمنگام و... به‌طور جهانی دنبال می‌کند.

در شرح حال سلیمانی یک شعار جالب توجه از وی وجود دارد: "بزرگ‌ترین تفریح زندگی من کار است." حال پرسش ما این است آیا بزرگ‌ترین و یا اصلاً کوچک‌ترین تفریح زندگی بیش از ۱۷۰۰۰ کارگر سولیکو نیز کار است؟ کارگرانی که در تولید، توزیع و فروش محصولات کاله و مشتقات آن عمر خود را به بهای سیر کردن شکم خود و خانواده‌شان می‌گذرانند و با این وجود نیز از عهده‌ی این کار برنمی‌آیند نیز در حال تفریح هستند؟ اصلاً هنوز واژه‌ی تفریح در دایره‌ی لغات این کارگران وجود دارد؟ در سال‌های اخیر درآمد سالیانه‌ی این هلدینگ طبق گزارش‌های رسمی بیش از ۱ میلیارد دلار بوده

است در حالی که مجموع درآمد همه‌ی کارگران این مجموعه در طول یک سال یک بیستم این میزان نیز نمی‌شود. با این تفاسیر درست آن بود که سلیمانی بگوید: "بزرگ‌ترین تفریح زندگی من کار کشیدن از دیگران است." نه این که خود را به‌عنوان فردی که یک عمر کار کرده و با زحمت و جسارت و توانایی‌اش به چنین غولی بدل شده معرفی کند.

از این بحث‌ها که بگذریم به جنبه‌های جالب‌تری در این مراسم برمی‌خوریم. عنوان‌های اقتصادی قبلی که از آن‌ها یاد شد در تلقی عمومی و متداول به‌عنوان بازاریان کارکشته و سنتی شناخته می‌شوند که لقب "امین‌الضرب" نیز با توجه به پیشینه‌ی تاریخی‌اش با این تلقی موجود از آن‌ها هم‌خوانی دارد. اما عناوین دیگری در لیست برندگان وجود دارد که در وهله‌ی نخست این دیدگاه را به چالش می‌کشند. از جمله خالق استارت‌آپ کافه بازار و سایت دیوار، مدیرعامل شرکت صباایده و بنیان‌گذار پلتفرم فیلمو و سایت آپارات، بنیان‌گذاران دیجی‌کالا، بنیان‌گذار شرکت تپسی، از طلایه‌داران شرکت‌های دانش‌بنیان پلیمری و... مگر قرار نبود مشاغل استارت‌آپی و دانش‌بنیان و آن‌چه ذیل نام کارآفرینی می‌شناسیم ماجرای متفاوتی از سرمایه‌داری کلاسیک داشته باشند؟ مگر قرار نبود کارآفرینی در معنای آفرینش کار با کارفرمایی به معنای فرمایش کار متفاوت باشد؟ پس چه شد که جوانان "نخبه" و "خلاق" هم‌ردیف کهنه‌سربازان سرمایه در کسب نشان تاریخی امین‌الضرب به یک لباس درآمدند؟ پس در این جا دیگر نام وزین و بزک‌شده‌ی کارآفرینی مطرح نیست. اصل مطلب همان بهره‌کشی و کمک به از میان برداشتن هرچه بیش‌تر موانع گردش سود و انباشت سرمایه است که با توجه به مقتضیات پیش‌روی سرمایه‌داری و حوزه‌های نوین گشوده شده در این راه، استارت‌آپ‌ها و دانش‌بنیان‌ها نه مفهومی متفاوت از سرمایه‌داری کلاسیک که در این میان عصای دست و چشم و چراغ سرمایه‌داری و امین‌الضرب‌های پیش‌کسوت هستند.

اسامی دیگری نیز در این لیست به چشم می‌خورند که در نگاه اول کمی نامأنوس‌تر از آن‌چه انتظار می‌رود به‌نظر می‌رسند. موسی غنی‌نژاد، عزت‌الله فولادوند، علی‌نقی مشایخی، علیرضا بختیاری و... که به‌طور کلی به‌عنوان پژوهش‌گر شناخته می‌شوند. غنی‌نژاد اقتصاددان شناخته‌شده‌ی طرفدار بازار آزاد، استاد دانشگاه و دارای چندین اثر تألیفی و ترجمه‌ای در حمایت از بازار آزاد و مالکیت خصوصی است. غنی‌نژاد از مطرح‌ترین حامیان نظریات اقتصادی فون‌هایک، اقتصاددان اتریشی در ایران است. وی مدعی است که دل در گرو آرمان‌های عدالت‌طلبانه و کرامت‌انسانی دارد ولی سوسیالیسم در احقاق عملی چنین آرمان‌هایی به بیراهه رفته است و بازار آزاد و مالکیت خصوصی توان دستیابی به این آرمان‌ها را داراست. بنابر تفکر غنی‌نژاد و هم‌قطاران‌ش به شرط وجود بازار آزاد و آزادی سرمایه‌داران در کسب‌وکار، دست پنهان بازار به طرز خودبه‌خودی مشکلات جامعه را رفع می‌نماید و تضمین‌کننده‌ی سعادت بشری است. افسانه‌ای که سال‌ها پیش از این و مثلاً با ایجاد رکود بزرگ در دهه‌ی ۲۰ و ۳۰ قرن گذشته‌ی میلادی در دوره‌ی منسوب به فوردیسم کارایی خود را از دست داد و منجر به پدیدار شدن دستورالعمل‌های نوینی در اقتصاد مبنی بر نظارت دولتی بیشتر و اصطلاحاً اقتصاد "کینزی" در جهان سرمایه‌داری گردید. با این توصیف اعطای نشان امین‌الضرب به غنی‌نژاد می‌تواند نشان‌گر دو چیز باشد؛ اول، مرام و معرفت سرمایه‌داران و استثمارگران که به راحتی کاسه‌لیسان خود را فراموش نمی‌کنند و دوم این که تنها جایی که دست پنهان بازار هنوز اعتبار دارد چنین محافلی از جنس مراسم امین‌الضرب هستند که در کنار دست‌های پیدای بازار یعنی کارفرمایان و بزرگ‌سرمایه‌داران، امثال غنی‌نژاد با بسترسازی‌های خود در جهت رفاه آنان به‌عنوان دست پنهان بازار حضور دارند.

عزت‌الله فولادوند نیز به‌طور عمده به‌عنوان مترجم شناخته می‌شود و مطرح‌ترین ترجمه‌ی وی "جامعه‌ی باز و دشمنانش" نوشته‌ی کارل پوپر است. از پوپر در تمام جهان به‌عنوان اصلی‌ترین مخالف و منتقد مارکسیسم یاد می‌شود که برای سال‌های سال و هم‌اکنون نیز نقد صغیر و کبیر به مارکسیسم بر اساس همین اثر پوپر بیان می‌شود.

علی‌نقی مشایخی و علیرضا بختیاری نیز هرکدام به‌سیاق مشابه و به‌نوعی دیگر خدمت‌رسان سرمایه‌داران و استثمارگران بوده‌اند و با این نشان از لطف اربابان‌شان بهره‌مند گشته‌اند. اولی به‌عنوان مؤسس دانشکده‌ی مدیریت دانشگاه صنعتی شریف و مشاور وزیر نیرو، مسکن، صنایع سنگین و سازمان برنامه و بودجه در سال‌های مختلف و دومی به پاس فعالیت‌های مطبوعاتی در حمایت از بخش خصوصی و بنیاد نهادن تریبون علنی آن، یعنی روزنامه‌ی دنیای اقتصاد.

از دیگر نکات قابل توجه برگزاری مراسم امین‌الضرب موعد برگزاری آن است. این مراسم هر ساله در اوایل زمستان و در دی‌ماه برگزار می‌شود و جنبه‌ی جالب این موضوع در این است که هم‌زمان با اعتراضات فرودستان و زحمت‌کشان در دی ۹۶ و نیز مقارن با التهاب حاکم بر زیست این طبقات اندکی پس از اعتراضات آبان ۹۸، سرمایه‌داران و منصب‌داران حامی آن‌ها در چنین مراسمی مشغول نوشابه باز کردن برای یک‌دیگر بوده‌اند؛ آن‌جا که دوره‌ی دوم امین‌الضرب در ۱۸ دی ۹۶ با حضور وزاری صنعت، معدن و تجارت، امور خارجه و کشاورزی برگزار گردید و در حالی که خیزش معیشتی فرودستان در اعتراض اولیه به افزایش قیمت اقلام خوراکی اساسی و شرایط حاکم در بیرون درها در جای جای کشور در جریان بود، نه تنها فعالان گردن‌کلفت حوزه‌ی صنایع غذایی از جمله بنیان‌گذار میهن و بنیان‌گذار گروه صنعتی گلرنگ نشان افتخار دریافت می‌کردند که وزیر امور خارجه‌ی وقت نیز به این نشان نایل گردید و همه با هم شاد و خندان به شرایط اسفبار طبقه‌ی کارگر می‌خندیدند.

مجموعه‌ی این افراد از کارخانه‌دار و بانک‌دار و وزیر و وکیل و استاد دانشگاه و روزنامه‌نگار و... بی‌پرده نشان می‌دهد که طبقه‌ی کارگر در مسیر مبارزه‌اش تنها با کارفرمایانش طرف نیست. دشمنان و استثمارگران این طبقه طیفی به مراتب وسیع‌تر از کارفرمای یک واحد تولیدی را به خود اختصاص می‌دهند که حول سیاست سرمایه‌داری علیه کارگران، متحد و منسجم هستند. این امر به ما یادآور می‌شود که پرولتاریا برای مقابله با سرمایه‌داری نیازمند مبارزه‌ای است سیاسی که حائز گام‌هایی معین و همه‌جانبه باشد. مبارزه‌ای که با وجود منشأ اقتصادی، لازم است تا برای به ثمر رسیدن در تمام حیطه‌هایی که سیاست سرمایه‌داری و جولان‌آعوان و انصارش در آن بروز یافته، رخ نماید و نهایتاً به انقراض حتمی امین‌الضرب‌ها و پیروزی قطعی کارگران و زحمت‌کشان ایران و جهان منجر گردد.